

دورنمای ژئوپلیتیک شیعه در عراق

دکتر حسن تلاشان

استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی

چکیده

در این نوشتار سعی شده است سامان ژئوپلیتیکی شیعیان در عراق آینده، تبیین شود. در ابتدا دو سناریوی اساسی درباره نظام سیاسی آینده عراق و ویژگی‌های هر کدام، مورد بررسی قرار گرفته است. با بررسی واقعیت‌های امروزی عراق می‌توان نتیجه گرفت از دو سناریوی نظام دموکراتیک مبتنی بر فدرالیسم و نظام استبدادی، شرایط برای تحقق سناریوی اول فراهم است.

با توجه به عناصر ژئوپلیتیکی در صورت وقوع نظام دموکراتیک مورد نظر، می‌توان به این نتیجه رسید که وزن و قلمرو ژئوپلیتیکی شیعیان ارتقا خواهد یافت. جمعیت، حکومت و نهادهای سیاسی، موقعیت و منابع طبیعی، از جمله عناصر ژئوپلیتیکی است که مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

با توجه به تجزیه و تحلیل انجام‌شده، صحت فرضیه «در آینده وزن و قلمرو ژئوپلیتیکی شیعیان در داخل و خارج گسترش و تثبیت خواهد یافت»، اثبات شده است.

کلیدواژه‌ها: ژئوپلیتیک، ژئوپلیتیک شیعه، عراق، ژئوپلیتیک عراق، فدرالیسم،

پان عربیسم.

مقدمه

هرچند مطالعات شیعه‌شناسی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در بسیاری از مراکز علمی جهان آغاز شد، اما بعد از سرنگونی صدام و به قدرت‌رسیدن شیعیان در عراق، این مطالعات از گستردگی و اهمیت بیشتری برخوردار شده است. در حال حاضر چهار دانشگاه حیفا، تل‌آویو، باریلان و اورشلیم درباره شیعه مطالعه می‌کنند. تمام دانشگاه‌های بزرگ دنیا در موضوع «اسلام‌شناسی» که بخش مهمی از آن را «شیعه‌شناسی» تشکیل می‌دهد، به طور جدی به تحقیق و مطالعه می‌پردازند (تقی‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۵).

از طرف دیگر تحولات کشور عراق و نقش شیعیان برای جمهوری اسلامی ایران از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ زیرا این تحولات تأثیر بسزایی در امنیت و منافع ملی آن بر جای خواهد گذاشت؛ بنابراین ضروری است روند تحولات احتمالی آینده این کشور، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.^۱

تعریف مفاهیم

ژئوپلیتیک: این علم به بررسی تأثیر پدیده‌های جغرافیایی بر ساختارها و نهادهای سیاسی، حکومتی و غیرحکومتی و تحولات آنها و خصوصیات روابط با دیگر دولت‌ها می‌پردازد (عزتی، ۱۳۷۳، ص ۸۸). بر اساس تعریفی دیگر، ژئوپلیتیک دانش کسب قدرت است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۷).

ژئوپلیتیک شیعه: در این نوشتار تشیع به عنوان یک موضوع ژئوپلیتیک در نظر گرفته شده است؛ زیرا قسمت عمده‌ای از پیروان این مذهب در منطقه‌ای قرار گرفته‌اند که بر روابط قدرت در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بسیار تأثیرگذار می‌باشند. حدود هفتاد درصد از جمعیت حوزه نفتی خلیج فارس را شیعیان تشکیل می‌دهند. چاه‌های نفت در کشورهای این منطقه به طور عمده در مناطق شیعه‌نشین قرار دارد (محمدپور، ۱۳۸۵، ص ۲۵۲).

۱. در همین راستا ر.ک به: طرح هلال شیعی: اهداف، موانع و پیامدها؛ دکتر حسین پوراحمدی / جمال جمالی، فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۸۸، صص ۷-۵۶.

ژئوپلیتیک داخلی و خارجی: فرانسوا توال (Francois Toile) در تحلیل کانون‌های نهضت شیعی، از دو مفهوم ژئوپلیتیکی استفاده کرده است:

۱. «ژئوپلیتیک داخلی» که گستره و شدت تأثیرگذاری هر جامعه شیعی بر مجموعه تحولات و سیاست‌های داخلی یک کشور است.

۲. «ژئوپلیتیک خارجی» که قدرت تأثیرگذاری جامعه شیعی بر تحولات و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۳۸-۳۹).

نظام استبدادی بر محور پان‌عربیسم: نظامی سیاسی است که یک خانواده یا عشیره، کشور را با محوریت و تأکید بر ناسیونالیسم عربی، هدایت و کنترل می‌کند. کشورهای عربستان، امارات متحده عربی و عمان، تجلی آشکار این‌چنین حکومتی به شمار می‌آیند. این نظام سیاسی بدیهی‌ترین حقوق شهروندی همچون آزادی، مشارکت سیاسی، انتخابات و... را نفی کرده، با خشونت هرچه تمام‌تر با مخالفان برخورد می‌نماید.

گروه‌های پان‌عرب ضمن به قدرت رسیدن، به افراط گراییدند؛ یک بار در دهه ۱۹۳۰ و یک بار دیگر از سال ۱۹۶۸ به این سو، گرایش فاشیستی پیدا کردند. هدف نهایی آنها برپایی یک ملت متحد عرب سنی بود که هرگز تحقق نیافت. هر اندازه این گروه‌ها در این جهت کوشش کردند، ایستادگی در مقابل آنها تندتر شد؛ همین امر باعث شد سطح سرکوب و سلطه دولت افزایش یابد.

این پدیده نیز به سهم خود در میان کسانی که ادغام در ملت عرب را نپذیرفتند و کسانی که بیش از پیش از قدرت سیاسی محروم می‌شدند، این احساس را دامن زد که آنها تحت حاکمیت و سلطه اقوام دیگر هستند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۹۰).

به موازات برتری و گسترش پان‌عربیسم، گروه‌های عرب‌گرای سنی در ارتش، ادارات دولتی و بعدها حزب بعث، به تدریج سایر گروه‌های قومی و مذهبی را از کار برکنار کردند. چند نمونه کافی است تا این فرایند نشان داده شود.

در طول دوران پادشاهی، هنوز پانزده درصد مقامات عالی‌رتبه و ۲۵ درصد مقامات پایین‌تر دولت را کردها تشکیل می‌دادند. در آغاز دهه ۱۹۳۰ بخش ناشناخته، اما مهمی از مقامات دولتی، اعراب یهودی بودند. در دهه پس از ۱۹۵۸

کردها تنها دو درصد مقامات عالی‌رتبه و سیزده درصد سمت‌های پایین‌تر دولت را در اختیار داشتند (Ferhad Ibrahim, 1983, P 40). یهودیان به طور کلی از حکومت و بعدها از کشور رانده شدند. در سال‌های ۱۹۳۶-۱۹۵۲ هنوز ۵۴ درصد اعضای فرماندهی مرکزی حزب بعث، شیعه بودند. سهم آنها در خلال سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۷۰ به شش درصد کاهش یافت (Batatu, 1978, 1080).

حکومت صدام حسین در عراق، نمونه بارز چنین حکومتی بود. به رغم اینکه عرب‌های سنی در عراق ۲۰ تا ۲۵ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دادند، با کمک استعمارگران انگلیس با شعار پان‌عربیسم و در اتصال با کشورهای عرب منطقه، نظام دیکتاتوری و خشن اقلیت را به وجود آوردند. انگلیس به این واقعیت پی برده بود که هیئت حاکمه‌ای که تنها بیست درصد از جمعیت یک کشور را نمایندگی می‌کند، به سادگی به قیمومیت خارجی تن می‌دهد.

از دید اکثر مردم، دولت این کشور عامل خارجی محسوب می‌شد. رژیم هر روز بیش از پیش قبیله‌ای‌تر، بی‌رحم‌تر، سنی‌تر و عرب‌تر شد. آشوری‌ها در یک تهاجم نظامی در سال ۱۹۳۳ نابود شدند. یهودیان پس از مصادرهٔ اموال‌شان از کشور خارج شدند. میلیون‌ها شیعه و کرد کشته و یا آوارهٔ کشورهای دیگر شدند (سلطانی‌نژاد، ۱۳۸۶، ص ۲۱۰). قدرت دولت رشد کرد. استیلای تکریتی‌ها - همشهریان صدام - رژیم را بیش از پیش از جامعهٔ بزرگ اطراف خود جدا کرد. رژیم با مجهز کردن خود و طرفداران خویش به تفکر پان‌عربیسم، ابزار لازم و کافی را برای محروم کردن دیگران از حاکمیت بر سرنوشت خویش ایجاد کرد؛ از سوی دیگر این شعار پوشش نوینی برای قبیله‌گرایی این رژیم شد. صدام بارها به پان‌عرب‌بودن خود اعتراف کرده، به آن افتخار کرده بود. صدام حسین به‌طور مستمر جنایت‌های فراوانی علیه شیعیان، کردها و دیگر اقوام عراقی، برای جامعهٔ عمل‌پوشاندن به این شعار مرتکب می‌شد؛ در مقابل سعی می‌کرد عرب‌های سنی کشورهای همسایه را به شیوه‌های گوناگون جذب کند (بلداجی، ۱۳۸۳، ص ۱۵).

طرفداری از پان‌عربیسم توسط طیفی از عرب‌های سنی، در طول تاریخ گذشتهٔ این کشور، حتی در زمان عثمانی موضوعی نیست که به طور ناگهانی فروکش کرده

باشد؛ به‌طور قطع این رویکرد در حال حاضر نیز طرفدارانی به‌ویژه در بین بعضی از اعضای حزب بعث دارد. نخبگان عراقی که تحت حکومت صدام رشد کردند، به‌طور خشونت‌باری با دموکراسی‌سازی که تقریباً منجر به از دست‌دادن قدرت آنها می‌شود، مخالفت می‌کنند.

به‌طور کلی ویژگی‌های نظام سیاسی مبتنی بر پان‌عربیسیم، به شرح ذیل است:

۱. حکومت اقلیت (خانواده، عشیره و...) بر اکثریت جامعه؛
۲. تأکید بر ناسیونالیسم متعصبانه عربی به عنوان محور هویت ملی؛
۳. نادیده‌انگاشتن بدیهی‌ترین حقوق شهروندی، همچون انواع آزادی‌ها، مشارکت سیاسی و حق انتخاب برای اکثریت جامعه؛
۴. استفاده از انواع خشونت برای سرکوب مخالفان؛

۵. وابستگی به بیگانه به علت عدم وجود عناصر قدرت‌زای لازم و کافی در داخل. **نظام دموکراتیک مبتنی بر فدرالیسم:** فدرالیسم شکلی از سازمان سیاسی دولت است که بر حاکمیت دوگانه مرکز و مناطق استوار است و در چارچوب آن هر یک از دو سطح حاکمیت، حدود و اختیارات مشخص خود را داشته، در حوزه صلاحیت خود اعمال اقتدار می‌کنند. فدرالیسم در گام نخست، بر میزان قابل توجهی از تفاهم و ادراک متقابل میان واحدهای شکل‌دهنده نظام فدرالی مبتنی است.

درباره فدرالیسم، مبانی نظری آن و تحقق دولت - کشور فدرال سه قانون پیشنهاد شده است: قانون فراداشت (لزوم تحقق نهادهای مشترک با صلاحیت و اختیارات فراگیر کلیه اعضای فدرال)، قانون خودمختاری (هر منطقه یا استان، دارای صلاحیت سیاسی و سازمانی ویژه باشد) و قانون مشارکت (استقلال نسبی، در عین سپردن حاکمیت به دولت مرکزی) (قاضی، ۱۳۶۸، ص ۲۶۱). در نظام فدرالیت، فرهنگ مشارکت و عنصر همکاری، امری قطعی و ضروری است.

در حال حاضر بسیاری از گروه‌های شیعی، همچنین کردهای عراق، طرفدار نظام فدرالی در عراق هستند. رهبران کرد عراق، از جمله مسعود بارزانی و جلال طالبانی رهبران دو حزب عمده کرد، یعنی حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان عراق و نیز رسول مامند و محمد عثمان، رهبران احزاب کوچک‌تر

سوسیالیست کردستان و سوسیالیست متحد کردستان (اسدی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۴) با اتخاذ مواضع هماهنگ، آینده بهتر مناطق کردنشین عراق را در شرایط حساس کنونی، در قالب عراقی متحد و یکپارچه پیگیری می‌کنند (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۳).

کردها جدی‌ترین طرفداران فدرالیسم در عراق هستند. اگرچه آنها به عنوان گزینه اول خواهان استقلال هستند، اما اکثر آنها عملگرا بوده، معتقدند استقلال عراق تا زمانی که کشورهای دیگر نظیر ترکیه در برابر آن مقاومت می‌کنند، امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین فدرالیسم دومین انتخاب برتر کردهاست؛ زیرا امکان تصمیم‌گیری بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی را فراهم می‌سازد. فدرالیسم همچنین آنها را قادر می‌سازد از هویت‌شان دفاع کنند.

مسعود بارزانی رئیس حزب دموکراتیک کردستان معتقد است: فدرالیسم، «عراق را متحد و مشکلات قدیمی و پیچیده آن را حل و فصل خواهد نمود»؛ همچنین «اتحاد ملی و همبستگی عراق را تقویت خواهد کرد» (BBC Worldwide Monitoring December 1, 2002). جلال طالبانی مؤسس و دبیرکل اتحاد میهنی کردستان نیز اظهار می‌دارد: فدرالیسم، «از اتحاد عراق حمایت خواهد کرد و اجرای تمامی حقوق مشروع و مطالبات مردم عراق را تضمین خواهد کرد» (Ibid, March 8, 2003).

اپوزیسیون عراق، نخستین بار در دسامبر ۲۰۰۲ در همایش رهبران اپوزیسیون، شامل کردها، سنی‌ها و شیعیان که در لندن برگزار شد، حمایت خود را از فدرالیسم اعلام کرد. اعضای کنفرانس توافق کردند: «اگر ساختار آینده دولت عراق فدرال نباشد، این کشور دموکراتیک نخواهد شد». آنها معتقدند فدرالیسم برای دموکراسی ضروری است؛ زیرا از اراده اقلیت در برابر اراده اکثریت حمایت می‌کند (conference of the iraq opposition, 2002).

عبدالعزیز حکیم بعد از ملاقاتی که با آیت‌الله سیستانی داشت، خواستار یک منطقه خودمختار در سراسر مناطق شیعه‌نشین جنوب عراق و جنوب بغداد شد. وی

گفت: برای شیعیان ضروری است اختیارات حکومتی وسیعی برای جنوب به دست آورند. وی افزود: «به منظور حفظ توازن سیاسی در کشور، عراق باید تحت یک نظام فدرالی همراه با دولت مرکزی اداره شود... ما فکر می‌کنیم شکل‌گیری یک منطقه کامل در جنوب، ضروری است» (Wong, August 12, 2005). این اظهارات تنها چهار روز قبل از تاریخ مقرر برای تکمیل پیش‌نویس قانون اساسی از طرف رهبر مهم‌ترین تشکّل سیاسی شیعه عراقی ابراز شد. پیشتر بعضی از رهبران لائیک شیعه، از جمله احمد چلبی خواستار خودمختاری برای جنوب شده بودند (همان، ص ۲۴۶).

هرچند نظر رسمی حزب الدعوه، مخالفت با فدرالیسم بوده است، اما به نظر می‌رسد در این حزب نظر واحدی در مورد مذکور وجود نداشته باشد. گروه مقتدا صدر با خودمختاری جنوب مخالفت کرد؛ شماری از رهبران سنی عراق از جمله فخری القیسی، یکی از اعضای گروه پانزده نفری سنی، صالح المطلق عضو دیگر این گروه، میشن الجبوری، و ایاد السمره‌ای از حزب میانه‌رو اسلامی با فدرالیسم و خواست شیعیان در این رابطه مخالفت کردند (Georgy, August P.19, 2005).

علاوه بر آنها، فدرالیسم در داخل و خارج عراق، مخالفانی دارد؛ از جمله مخالفان خارجی ترکیه و مخالفان داخلی، بعضی از اعراب سنی می‌باشند. حزب بعث و اعراب سنی که پرقدرت‌ترین گروه در زمان امپراتوری عثمانی بودند، تحت لوای سلطنت عراق و بعد از آنکه حزب بعث کنترل کامل عراق را به دست آورد، قدرت مطلقه را در دست گرفتند. ایشان چه در گذشته و چه در حال حاضر، به شدت با خودمختاری کردها، مخالف بوده و هستند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۴).

در قانون اساسی موقت عراق، نظام فدرال به رسمیت شناخته شده است. در ماده ۴ قانون اساسی موقت عراق، در این باره چنین آمده است: «نظام حکومتی عراق جمهوری، فدرالیستی، دموکراتیک و تکثرگرا خواهد بود و قدرت در آن بین حکومت

فدرال و دولت‌های منطقه‌ای، استان‌ها و شهرها و ادارات محلی تقسیم می‌شود...»
(دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۰).

به‌طور کلی، ویژگی‌های نظام فدرالی در عراق به شرح ذیل است:

۱. مشارکت تمامی گروه‌های قومی به‌ویژه شیعیان، کردها و عرب‌های سنی؛
۲. رضایت بیشتر احزاب و گروه‌های شیعه و اقلیت بزرگ کرد؛
۳. با توجه به اینکه مناطق نفت‌خیز عراق در شمال (منطقه کردنشین) و جنوب (منطقه شیعه‌نشین) قرار دارد، این‌چنین نظامی، منافع اقتصادی و سیاسی بسیاری برای آنها در بر دارد و برعکس امکان متضرر شدن عرب‌های سنی به علت بهره‌مند نبودن از این موهبت، وجود دارد.

واقعیت‌های امروز عراق

با سرنگونی صدام، روند پان‌عربیسم متوقف شد؛ فرایندی که از دهه ۱۹۲۰ توسط نخبگان عرب سنی این کشور آغاز شد و تا قبل از سرنگونی صدام در دستور کار تمامی دولت‌ها قرار داشت. در سه دهه اخیر، سیاست عربی‌سازی از اصول مهم ایدئولوژی و سیاست حزب بعث بود. بعد از سرنگونی صدام و روند حاکم بر تحولات سیاسی عراق، روند عربی‌سازی پایان یافت. بر اساس قوانین موضوعه، در حال حاضر سعی شده است تقسیمات بر اساس وزن اقوام شیعه، کرد، ترکمن، عرب سنی و مسیحی انجام شود.

سرنگونی صدام زمینه حضور شیعیان و خروج آنها از انزوا را فراهم ساخت. از آن زمان، شیعیان در عرصه سیاسی - اجتماعی به شدت فعال شده‌اند. امریکا که با شعار استقرار دموکراسی به اشغال عراق مبادرت ورزید، نمی‌تواند اکثریت شیعه این کشور را نادیده بگیرد و از ورود آنها به عرصه سیاست و حکومت جلوگیری کند.

در نوامبر ۲۰۰۳ روزنامه واشنگتن پست از متقاعد شدن امریکا برای تشکیل دولتی با اکثریت شیعه در عراق خبر داد و اعلام کرد: دولت بوش به این نتیجه رسیده است که حکومت شیعیان در عراق امری اجتناب‌ناپذیر است و این موضوع

لزوماً با منافع آمریکا در تضاد نیست (خبرگزاری مهر، ۸۲/۸/۳۰). در عمل نیز تا کنون روند حاکم، حاکی از نقش اساسی شیعیان در دولت‌سازی این کشور بوده است. چهارده عضو از شورای ۲۵ نفره حکومت انتقالی و حداقل ۵۵ درصد از اعضای کنفرانس ملی عراق، شیعه بوده‌اند. از ۳۳ عضو کابینه دولت موقت عراق نیز هفده نفر دارای مذهب تشیع بوده‌اند (رازانی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۶)؛ بنابراین به نظر می‌رسد دولت آمریکا نیز حضور شیعیان را در روند دولت‌سازی پذیرفته است.

سرنگونی صدام و نقش تأثیرگذار شیعیان بر کنترل بحران‌های پس از آن، موجب ایجاد و گسترش نوعی خودآگاهی و خودباوری و توجه به اهمیت خود در معادلات سیاسی شده است. در همین راستا، مرجعیت شیعه که همواره از جایگاه و نفوذ گسترده‌ای در بین شیعیان برخوردار بوده است، در این دوره نقش بسیار تأثیرگذاری در دولت‌سازی عراق ایفا کرده است. آیت‌الله سیستانی اشغالگران را تحت فشار قرار داد تا در این کشور انتخابات آزاد برگزار کنند. اشغالگران در ابتدا از انجام آن با این ادعا که هنوز شرایط برای انجام انتخابات فراهم نشده است، سرباز می‌زدند. در این زمان تظاهرات صد هزار نفری با خواست انتخابات همگانی در ژانویه ۲۰۰۴ در بغداد برگزار شد که بسیاری از سنی‌ها نیز در آن شرکت داشتند. این تظاهرات قدرت‌نمایی مرجعیت برای تحمیل خواسته خود به امریکایی‌ها محسوب شد.

برمر حاکم امریکایی معتقد بود: «باید زمانی انتخابات عمومی را برگزار کنیم که منافع ما را تأمین کند. ممکن است در وضعیتی مثل وضع حاضر، کسانی که برنامه‌های امریکا را رد می‌کنند، در انتخابات پیروز شوند» (www.Negararesh.de/didgah/Iot-Iraq.htm).

استدلال مقامات امریکایی مبنی بر کمبود وقت و ابهام در آمار جمعیت، از طرف هیئت تخصصی ارسالی از سازمان ملل رد شد. این هیئت اطلاعات موجود در بانک‌های اطلاعاتی که در زمان خود از طرف سازمان ملل برای «نفذ در برابر غذا» تهیه شده بود را برای برگزاری انتخابات کافی اعلام کردند و در نهایت پس از مشکل‌تراشی‌های متعدد، حاضر به انجام انتخابات شدند (The Political transition in Iraq, 2004).

بعد از انتخابات، شرایط برای تدوین قانون اساسی فراهم شد. آیت‌الله سیستانی بر روند تدوین قانون اساسی نظارت نمود؛ به طوری که نقش سیاست‌مداران سکولار و طرفدار نظام لیبرالیستی غرب را کم‌رنگ کرد و اعلام کرد عراق کشوری اسلامی است و قانون اساسی‌اش باید بر محور اسلام نگاشته شده، روح اسلام بر آن حاکم باشد. پس از موضع‌گیری ایشان، در مادهٔ دوم پیش‌نویس قانون اساسی اضافه شد: «هیچ قانونی که مغایر با احکام بی‌چون و چرای اسلام باشد، نمی‌تواند تصویب شود» (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۱).

اگرچه مقامات امریکایی در جریان تدوین پیش‌نویس قانون اساسی نقش مهمی ایفا کردند و سعی کردند اصول اسلامی را نادیده بگیرند، ولی با دخالت مرجعیت شیعه، در این زمینه موفقیتی به دست نیاوردند؛ البته تلاش کردند توازنی بین ارزش‌های دموکراتیک با ارزش‌های اسلامی ایجاد کنند؛ برای مثال در ادامهٔ مادهٔ دوم پیش‌نویس اضافه کردند: هیچ قانونی که مغایر با اصول دموکراتیک باشد، نمی‌تواند تصویب شود.

اما اینکه چه کسی باید در مغایرت قوانین با اسلام و اصول دموکراتیک تصمیم‌گیرنده باشد، در مادهٔ ۹۰ یک دادگاه عالی فدرال پیش‌بینی شده است که وظایف آن، از جمله شامل: نظارت بر تطابق قوانین و مقررات ثابت با قانون اساسی و تفسیر متن قانون اساسی است. این دادگاه از شماری قاضی و کارشناسان فقه و حقوق تشکیل می‌شود و تعداد و نحوهٔ گزینش آنها توسط قانونی خواهد بود که با دو سوم آرای اعضای مجمع ملی مشخص و تصویب می‌شود. با توجه به اعضای پارلمان می‌توان احتمال داد دادگاه، رنگ اسلامی بیشتری خواهد داشت؛ بنابراین این تلاش امریکایی‌ها نیز با دخالت مرجعیت به شکست انجامید (مریجی، ۱۳۸۷، ص ۳۳۶-۳۳۷).

در این باره نیویورک تایمز طی سرمقاله‌ای چنین سؤال مطرح کرد: آیا امریکا اکنون تا این حد به بهانه‌ای برای اعلام پیروزی و خروج از عراق نیاز مبرم یافته که حاضر شده است به یک حکومت دینی شیعه مشابه ایران رضایت دهد؟ (نیویورک تایمز، ۲۳ اگوست ۲۰۰۵). با مقایسهٔ اهداف اولیهٔ امریکایی‌ها در اشغال عراق، با آنچه با مقاومت مرجعیت و حمایت مردم اتفاق افتاد، می‌توان به این نتیجه رسید که

مرجعیت نقش عمده‌ای در دولت‌سازی بعد از سرنگونی صدام ایفا کرده است و در حال حاضر از جایگاه ویژه و تأثیرگذاری در روند تحولات عراق برخوردار است. دربارهٔ وضعیت اکراد شایسته است به این موضوع اشاره کرد که اولین دولت عراقی کرد در سال ۱۹۹۲ و در پی عقب‌نشینی دولت عراق در اکتبر ۱۹۹۱ در منطقهٔ کردنشین تشکیل شد. در چهارم اکتبر ۱۹۹۲، مجمع ملی کردستان عراق طی بیانیه‌ای تصمیم اجماعی خود را برای برپایی نظامی فدرالیست به عنوان مبنایی جهت هر گونه رابطه با دولت عراق اعلام کرد (www.kurdistan.ws). از آن به بعد، کردستان عراق از خودمختاری برخوردار بوده است. از آن زمان تا کنون دولت خودمختار کردستان در حال اجرای امور خود می‌باشد: پلیس و نیروهای امنیتی به‌وجود آمده است، پرچم ملی تعیین شده و بانک مرکزی تأسیس گشته است، انتخابات شهری و پارلمانی برگزار شده و ایستگاه‌های رادیو و تلویزیون نصب شده است. دولت کردستان حکومتی به نام حکومت منطقه‌ای کردی^۱ و کابینه‌ای متشکل از وزرای گوناگون دارد.

بعد از سرنگونی صدام، به رغم اینکه گروه‌های شیعی همانند مجلس اعلای اسلامی عراق و جیش‌المهدی خلع سلاح را پذیرفتند، دولت محلی کردستان عراق و دو حزب عمدهٔ کرد، نه تنها نیروهای مسلح خود را حفظ کردند، بلکه با افزایش توان نظامی و تجهیزاتی، پشتوانهٔ خود را برای طرح مطالبات سیاسی و تأثیرگذاری بر نظام سیاسی در حال شکل‌گیری، تقویت کردند. از طرف دیگر، کردها با استفاده از تجارب گذشته، از سازمان سیاسی، طرح و برنامهٔ دقیق، مدون و قابل اجرا برخوردار بودند. این موارد نیز به سهم خود تأثیر فراوانی بر ماهیت ساختار سیاسی جدید عراق بر جای گذاشت (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۷-۱۳۸).

قباد طالبانی، پسر جلال طالبانی اخیراً گفته است: «اگر ایدهٔ دولت - ملت کرد محقق نشود، کردها در مورد ایجاد یک اتحادیهٔ داوطلبانه با عرب‌های عراق توافق دارند؛ به این شرط که نظام حکومتی عراق فدرال و دموکراتیک بوده و به ما اجازه

1. The kurdish Regional Government (KRG).

بدهد کنترل محلی را که بیش از یک دهه است داریم، داشته باشیم» (حاجی یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۳).

کردها در مذاکرات فعلی‌شان درباره آینده عراق، درخواست کرده‌اند:

اگر قرار باشد آنها به عنوان بخشی از عراق در نظر گرفته شوند، باید به آنها اجازه داده شود به شکل اساسی میزانی از خودمختاری را که اخیراً داشته‌اند، حفظ کنند و حق عدم پذیرش اجرای قانون‌های تصویب‌شده در بغداد را در داخل قلمرو کرد، در صورتی که برای آنان غیر قابل قبول باشد، داشته باشند. آنان همچنین خواهان حق حفظ و نگهداری نیروی شبه‌نظامی خود بودند که جدیداً تعدادشان به حدود شصت هزار نفر می‌رسد؛ و خواستند اسکان عمدی اعراب در قلمرو کردها - که توسط دولت‌های عرب قبلی انجام می‌شد - لغو شود (همان، ص ۲۱۳-۲۱۴).

بعضی از این خواسته‌ها در توافق موقتی در ۲۸ فوریه ۲۰۰۴ به کردها اعطا شد. رهبران دو حزب سیاسی و اصلی کردها، یعنی مسعود بارزانی و جلال طالبانی، نامه‌ای در اول ژوئن ۲۰۰۴ برای رئیس‌جمهور آمریکا ارسال کردند و در آن خاطر نشان ساختند: عراق کشوری دارای دو ملیت اصلی است: اعراب و کردها... مردم کردستان دیگر تابعیت درجه دوم در عراق را نخواهند پذیرفت... اگر قانون اساسی موقت به کار گرفته نشود یا اگر ملغا و متوقف شود، دولت کردستان هیچ انتخاب دیگری نخواهد داشت، به جز اینکه به مشارکت خود در دولت مرکزی و نهادهای آن خاتمه دهد، انتخابات را تحریم کند و ورود اعضای دولت مرکزی به داخل کردستان را ممنوع نماید (Kurdish Leaders upset with u. N. Resolution, A17).

در ماده چهارم آخرین نسخه قانون اساسی موقت عراق، «سیستم حکومتی در عراق، جمهوری، فدراتیو، دموکراتیک، چندحزبی و فراگیر خواهد بود و تقسیم قدرت در آن، میان حکومت فدرال (مرکزی) و حکومت‌های ایالتی و استان‌ها و شهرداری‌ها

و اداره‌های محلی تقسیم خواهد شد، و سیستم فدرالی بر اساس واقعیت‌های جغرافیایی و تاریخی و اصل تفکیک قواست، نه بر اساس اصل قومی یا مذهبی یا طایفه‌ای» (Armans. info, 2005).

از طرف دیگر در قانون اساسی موقت عراق، با شیوه‌های گوناگون سعی شده است از نفوذ عوامل اصلی رژیم بعثی سابق در ارکان اساسی نظام فعلی جلوگیری شود؛ زیرا از نگاه حاکمان فعلی، آنها تهدیدی برای اصول و ارزش‌های شناخته‌شده در قانون اساسی و نوع حکومت فعلی به شمار می‌آیند؛ برای نمونه در مواد ۳۱، ۳۶ و ۳۹ قانون اساسی موقت عراق، اعضای اصلی حزب بعث عراق، حق نامزد شدن برای مجمع ملی، انتخاب در شورای ریاستی و نخست‌وزیری را ندارند (همان)؛ بنابراین با شیوه‌های گوناگون سعی کرده‌اند امکان اعاده رژیم سابق و یا حتی کارشکنی آنها در سیستم جدید حکومتی را مسدود نمایند.

با توجه به روند حاکم و سیر تحولات موجود، می‌توان به این نتیجه رسید که امکان تحقق سناریوی اول که نظام استبدادی است، وجود ندارد. همه شواهد و قراین حاکی از پیدایش نظام دموکراتیک از نوع فدرالیسم است.

توقف روند پان‌عربیسم، خروج شیعیان از انزوا، فعال‌شدن آنها در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی، پذیرش حکومت اکثریت شیعه توسط امریکا، تثبیت حضور شیعیان در سیاست و حکومت، تأثیرگذاری مرجعیت شیعه در روند تحولات سیاسی - اجتماعی عراق و دولت - ملت‌سازی، تشکیل دولت فدرال کرد، افزایش توان نظامی و تجهیزات دولت کرد، سازماندهی بسیار مناسب سیاسی اکراد، اصرار دایمی آنها بر فدرالیت به عنوان خط قرمز، تدوین و تصویب پیش‌نویس قانون اساسی بر اساس اصول دموکراتیک، اسلامی و فدرال و مسدود کردن هر گونه راه نفوذ سران حزب بعث عراق برای ورود به مناصب اصلی حکومت، از مهم‌ترین مستندات، ادله و شواهد زوال دولت استبدادی و تحقق حکومت دموکراتیک مبتنی بر فدرالیسم است.



عناصر ژئوپلیتیکی و آینده شیعه در عراق

برخی از عناصر ژئوپلیتیکی عبارتند از: موقعیت جغرافیایی، جمعیت، منابع طبیعی، حکومت و نهادهای سیاسی، نهادهای اجتماعی و وابستگی بین‌المللی. در این بخش، ضمن بررسی برخی عناصر ژئوپلیتیکی، به تبیین دورنمای ژئوپلیتیکی شیعه در عراق پرداخته خواهد شد.

۱. ژئوپلیتیک داخلی

الف) حکومت و نهادهای سیاسی: در زمان حکومت صدام، شیعیان عراق در انزوای ژئوپلیتیکی به سر می‌بردند. بعد از سرنگونی وی، به رغم انجام ترورهای گسترده و موانع فراوان، گذار از نظام سیاسی توتالیتر به سوی نظام دموکراتیک آغاز شد. در مرحله گذار ژئوپلیتیکی نهادهای سیاسی در یک فرایند دموکراتیک، در حال شکل‌گیری است. تدوین و تصویب قانون اساسی موقت، تأسیس مجمع ملی و تشکیل دولت قانونی، از جمله اقدامات اساسی در این مرحله بوده است. این روند کماکان ادامه دارد.

شیعیان در کلیه نهادهای سیاسی جدیدالتأسیس جایگاه مناسبی به خود اختصاص داده‌اند؛ به طوری که در هیچ‌کدام از نهادهای اساسی، بدون نظر شیعیان تصمیم‌سازی امکان‌پذیر نیست. با توجه به واقعیت‌های موجود در عراق امروزی، در آینده نزدیک، نظم جدید ژئوپلیتیکی در این کشور با تأثیرگذاری زیاد شیعیان تثبیت خواهد شد. به رغم برخی عناصر مزاحم، هیچ‌گونه عنصر مهم و جدّی‌ای که بتواند مانع تثبیت نظم جدید ژئوپلیتیکی مورد نظر شود، مشاهده نمی‌شود.

ب) جمعیت: طبق آمار موجود، بین ۶۰-۶۵ درصد جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند که در گذشته توسط اقلیت سنی حاکم، سرکوب و منزوی شده بودند؛ به طوری که روحیه اعتماد به نفس و خودباوری لازم را نداشتند. بعد از سرنگونی صدام، شیعیان از اینکه فرصت جدیدی برای احیای حقوق از دست‌رفته آنها فراهم شده بود، اظهار رضایت کردند. هر چند از جهت کمی تغییر خاصی در جمعیت شیعیان به وجود نیامده است، اما عوامل کیفی همچون اعتماد به نفس و خودباوری،

وحدت، رهبری، افزایش آگاهی و بینش سیاسی آنها، حکایت از افزایش وزن ژئوپلیتیکی شیعیان در آینده دارد.

خودباوری و آگاهی از اهمیت نقش خود در معادلات سیاسی، موجب آزادشدن قابلیت عظیم شیعیان بعد از سقوط صدام شد. آیت‌الله سیستانی به عنوان مرجع دینی، در مراحل حساس نقش رهبری بیدار و آینده‌نگر را ایفا کرده است. مجبور کردن امریکایی‌ها به انجام انتخابات و حل بحران شهر نجف، از جمله اقدامات اساسی و تعیین‌کننده ایشان بود.

از طرف دیگر، مردم به‌طور کامل از مواضع آیت‌الله سیستانی حمایت کردند و همواره مطیع ایشان بودند. تظاهرات صدها هزار نفری مردم به دعوت ایشان و در حمایت از انجام انتخابات، از جمله اقدامات مردم در حمایت از دستورات و خواسته‌های ایشان بود. بسیاری از اهل تسنن در این راهپیمایی شرکت کرده بودند.

بعد از حل مشکل شهر نجف، روزنامه‌های جهان عرب از جمله الریاض، عکاظ، الرأی العالم، القدس العربی و مانند آنها، به‌روشنی از تحول نگرش جهان عرب نسبت به شیعیان حکایت کردند. روزنامه الخلیج چاپ امارات اذعان کرد: «دخالت آیت‌الله سیستانی و حل بحران نجف، در حالی که اشغالگران امریکایی و دولت علاوی از حل آن در مانده بودند، نشان داد مرجعیت شیعه قدرتمندترین قطب تأثیرگذار در عراق است و برگ برنده مرجعیت، قدرت به‌صحنه آوردن مردم است... قدرتمندترین قطب سیاسی مطلق در عراق، مرجعیت است...» (رازانی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۸).

رهبران سیاسی نیز به‌رغم اینکه از احزاب و گروه‌های گوناگون تشکیل شده‌اند، در برهه‌های حساس، وحدت و همدلی لازم را حفظ کرده‌اند؛ برای مثال در تمامی انتخابات انجام‌شده، تقریباً همه احزاب و گروه‌های شیعی، اقدام به ائتلاف و ارائه لیست واحد کرده‌اند. بنا بر توضیحات ارائه‌شده به‌طور اصولی مردمی که از ویژگی‌های کیفی برخوردار باشند، عاملی اساسی در جهت افزایش وزن ژئوپلیتیکی و گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی به‌شمار می‌آیند. این واقعیت که امروزه در شیعیان عراق مشاهده می‌شود، آینده روشنی را نوید می‌دهد.

ج) **موقعیت و منابع طبیعی:** به رغم گسترش کمی و کیفی راه‌های هوایی، همچنان راه‌های آبی نقش اصلی را در اقتصاد کشورها و در نتیجه قدرت آنها ایفا می‌کند. تنها راه دسترسی کشور عراق به آب‌های آزاد نوزده کیلومتر (سنجایی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۱) است که در منطقه شیعه‌نشین این کشور قرار گرفته است. از جهت منابع طبیعی و مواد خام، عراق سومین کشور نفت‌خیز جهان به شمار می‌آید. بیست درصد از منابع کشف‌شده در شمال، یعنی منطقه کردنشین و هشتاد درصد آن در منطقه شیعیان در جنوب قرار دارد.

به‌طور طبیعی با توجه به دسترسی به آب‌های آزاد و ذخایر استراتژیک نفتی در این منطقه و استقرار نظام فدرالی، وزن ژئوپلیتیکی شیعیان افزایش خواهد یافت. این در حالی است که عرب‌های سنی در منطقه‌ای تقریباً بیابانی بدون دسترسی به آب‌های آزاد و فقدان ذخایر نفتی قرار گرفته‌اند.

۲. ژئوپلیتیک خارجی

حدود هفتاد درصد از جمعیت کشورهای ساحل خلیج فارس شیعه هستند؛ به‌ویژه آنکه این جمعیت به‌طور عمده در مناطق نفت‌خیز ساکن هستند (محمدپور، ۱۳۸۵، ص ۲۵۲). ارتقای وزن ژئوپلیتیکی شیعیان در عراق به‌طور طبیعی تأثیرات فراوانی بر شیعیان این منطقه بر جا خواهد گذاشت. برخی از صاحب‌نظران معتقدند شیعیان عراق و مراجع دینی می‌توانند به عنوان مهم‌ترین بازیگران خاورمیانه مدرن، نقش ایفا کنند. دولت آینده این کشور با ارائه خدمت به مردم و با کمک مراجع دینی شتاب‌دهنده (کاتالیزور) تغییرات دموکراتیک در کل منطقه خواهد بود (Gerecht, 2008 P. 18).

برخی از اندیشمندان به بازی دومینو اشاره کرده‌اند. آنها از تأثیر دومینوی دموکراسی^۱ در منطقه سخن به میان آورده‌اند. بدون تردید برقراری دموکراسی در عراق، تهدیدی جدی برای حکومت‌های اقتدارگرای عرب فراهم خواهد ساخت

1. Democracy Domino Effect.

(محمدپور، ۱۳۸۵، ص ۲۶۵)؛ بنابراین شیعیان عراق که به علت سرکوب شدید در دوره صدام، در انزوای ژئوپلیتیکی به سر می‌بردند، نه تنها در این دوران گذار ژئوپلیتیکی، به سرعت به جایگاه ژئوپلیتیکی داخلی شایسته‌تر از وضعیت فعلی خواهند رسید، بلکه قلمرو ژئوپلیتیکی آنها به ماورای مرزهای جغرافیایی‌شان گسترش خواهد یافت.

نتیجه

تیین دورنمای ژئوپلیتیک شیعه در عراق، هدف این نوشتار بوده است. سازماندهی و محتوای حاضر در راستای این هدف تنظیم شده است. در ابتدا دو سناریوی محتمل و ویژگی‌های آنها مورد بررسی قرار گرفت. نظام استبدادی بر محور پان‌عربیسیم و نظام دموکراتیک مبتنی بر فدرالیسم، دو سناریوی مورد نظر می‌باشند.

در ادامه به بررسی واقعیات موجود در عراق، پس از سقوط صدام پرداخته شده است. روند دولت - ملت‌سازی و نقش اساسی شیعیان و اکراد در آن، دیدگاه‌های گروه‌ها و احزاب بانفوذ و تأثیرگذار، نقش مرجعیت شیعه، مواضع و عملکرد آگاهانه نخبگان شیعه عراقی، ماهیت قانون اساسی موقت و... همگی بر امکان تحقق نظام دموکراتیک مبتنی بر فدرالیسم دلالت دارد.

در مرحله بعد، با طرح برخی عناصر ژئوپلیتیکی همانند حکومت و نهادهای سیاسی، جمعیت، موقعیت و منابع طبیعی، ژئوپلیتیک داخلی و خارجی شیعیان در آینده عراق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در نتیجه، فرضیه «در آینده وزن و قلمرو ژئوپلیتیکی شیعیان در داخل و خارج گسترش و تثبیت خواهد یافت»، اثبات شده است. در همین راستا پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

۱. وحدت تقریباً تمام گروه‌ها، احزاب و شخصیت‌های شیعه عراقی، یکی از عناصر مهم افزایش وزن ژئوپلیتیکی آنهاست. با توجه به عوامل و موانع موجود، ضروری است همواره در جهت حفظ وحدت کوشا باشند.

۲. روند تحولات بعد از سرنگونی صدام، بر نقش بی‌بدیل مرجعیت شیعه و قدرت و نفوذ آن در جامعه عراق دلالت دارد. حمایت و اطاعت از مرجعیت به‌ویژه آیت‌الله سیستانی در تحقق فرضیه مذکور، بسیار تعیین‌کننده است.

منابع

۱. اتوتایل، ژرئوید و دیگران؛ اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم؛ ترجمه محمدرضا حافظ‌نیا و هاشم نصیری؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۰.
۲. اسدی، بیژن؛ **خلیج فارس و مسائل آن**؛ تهران: سمت، ۱۳۸۱.
۳. «امریکا نسبت به تشکیل حکومتی با اکثریت شیعه در عراق متقاعد شده است»، **خبرگزاری مهر**؛ ۱۳۸۲ / ۸ / ۳۰.
۴. برنا بلداجی، سیروس؛ «روند دولت‌سازی در عراق نوین، الزامات و رویکردهای ایران»؛ **نامه دفاع**، ش ۴، ۱۳۸۳.
۵. تقی‌زاده، محمود؛ «شیعه‌شناسی؛ ضرورت‌ها و کاستی‌ها»؛ **روزنامه همشهری**، ۱۳۸۴/۹/۱۷.
۶. توال، فرانسوا؛ **ژئوپلیتیک شیعه**؛ ترجمه علیرضا قاسم‌آقا؛ تهران: آمن، ۱۳۷۹.
۷. حاجی‌یوسفی، امیرمحمد و احمد سلطانی‌نژاد؛ **سامان سیاسی در عراق جدید**؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۶.
۸. حافظ‌نیا، محمدرضا؛ **اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک**؛ مشهد: پاپلی، ۱۳۸۵.
۹. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی؛ **عراق پس از سقوط بغداد**؛ تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
۱۰. رازانی، احسان؛ **پیامدهای حضور نظامی آمریکا در عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**؛ تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، ۱۳۸۴.
۱۱. سلطانی‌نژاد، احمد و امیرمحمد حاجی‌یوسفی؛ **چشم‌اندازهای منطقه‌ای و بین‌المللی عراق پس از صدام**؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۶.
۱۲. سنجابی، علیرضا؛ **استراتژی و قدرت نظامی: مسائل نظامی و استراتژیک معاصر**؛ تهران: پاژنگ، ۱۳۷۵.
۱۳. عزتی، عزت‌الله؛ **ژئواستراتژی**؛ تهران: سمت، ۱۳۷۳.
۱۴. فاضلی‌نیا، نفیسه؛ **ژئوپلیتیک شیعه و نگرانی غرب از انقلاب اسلامی**؛ قم: شیعه‌شناسی، ۱۳۸۶.
۱۵. قاضی، ابوالفضل؛ **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی**؛ مبانی و کلیات؛ ج ۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
۱۶. محمدپور، علی؛ «ژئوپلیتیک شیعه در خاورمیانه پس از حمله آمریکا به عراق»، **مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران (جایگاه ایران در نظام ژئوپلیتیک قرن ۲۱)**؛ تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران، ۱۳۸۵.
۱۷. مریجی، شمس‌الله؛ **مبانی فکری و زمینه‌های اجتماعی جریان‌های معاصر عراق**؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷.

18. Batatu, Hanna; **The old Social Classes and Revolutionary Movements of Iraq: A study Of Iraq 's old landed and Commercial Classes and of its Cammunists. Ba'atheists and Free officers**; Princeton, Princeton university press, 1978.
19. Conference of the Iraqi Opposition , **Final Report on the Transition to Democracy in Iraq**, November 2002. [www.Wadinet.de/news/dokus/transition to democracy.pdf](http://www.Wadinet.de/news/dokus/transition%20to%20democracy.pdf) (accessed janury 2, 2003 amended by the members of the democratic prainciples workshop)
20. Ferhad Ibrahim, **Die kurdische National bewegung im Irak**. Eine Fallstudie Zur prpolematik Ethnischer konflikte in der Dritten Welt, Bear lin: Klaus, Schwarz verlag, 1983.
21. Gerecht, Reuel Marc (2004); **The Islamic Paradox , shiite clerics, sunni Fundamentalists, and the coming of Arab Democracy**, united States of America, Washington, D. C. Institue of Peace (www.usip.org/2005)
22. Georgy, Michael and luke Bakeftri, Iraq SecurityChef warns of civil war over Frderalism, **Reuter**, August, 19, 2005.
23. Iraqi Kurdish PUK Paper praises president Bush 's, Endorsement, of Federalism, **BBC Monitoring International Reports** , March 8, 2003.
24. "Kurdish Leader Barzani Believes Federalism Is The Answer." **BBC Worldwide Monitoring**, December1, 2002.
25. Kurdish Leaders upset with U. N. Resolution ,P. A 17, **The Washington Times**, June 10, 2004.
26. The political Transition in Iraq , Report Of the Fact Finding mission , UN Documents/2004/140, S20.
27. wong , Edward, Top Shiite polticion joins call for Autonomous south Iraq, **New york Times** , August 12, 2005.
28. [www. Negaraesh.de/didgah/Iot-Iraq.htm](http://www.Negaraesh.de/didgah/Iot-Iraq.htm)
29. www.armans.info/2005/12/30/1480.html
30. www.kurdistan.ws/kurdistan3.html.accessed in september and October , 2003.